

«مقاله پژوهشی»

فراز و فرود هجدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی در حوزه کرمانشاه
(۱۳۳۵-۱۳۳۲ش)

ابتهاج سلیمی^۱، حسن زندیه^{۲*}، منوچهر صمدی‌وند^۳، معصومه قره‌داغی^۴

۱. دانشجوی گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

۲. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران*

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۴. استادیار، گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۴/۳۱) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۳/۲۳)

Ups and downs of the 18th National Assembly elections in Kermanshah constituency
(1332-1335)

Ebtehaj Salimi¹, Hasan Zandiyehh^{2*}, Manocher Samadivand³, Masomeh Gharadaghi⁴

1. Department of History, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

2. Assistant professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Assistant professor, Department of Islamic Studies, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

4. Assistant professor, Department of History, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

Received: (2021-07-22)

Accepted: (2022-06-13)

Abstract

The coup against Dr. Mohammad Mossadegh supported by foreign powers on August 19, 1953, was the beginning of a new era in Iran's parliamentary history of Iran. After this incident, the parliament and elections were completely under the supervision of the government and its officials. The province of Kermanshah, located in the west of Iran, due to its geographical location and special importance, and a branch of the British and Iranian Oil Company was operating there, was greatly affected by this coup, and this, willy-nilly, also led to the political action of the city's activists. The present article, with a descriptive-analytical method and relying on available sources, documents, and official papers, attempted to answer the question: "what was the process of holding the 18th National Assembly elections in the Kermanshah constituency, and what was the result?" The results of the research show that the political participation of the people and the former activities of this city in the elections decreased after the overthrow of the national government, and with their isolation, the result of the elections was determined by the government and local influential related to the government. The elections of this period have been the first stage of complete governmental and legislative elections, which continued until the end of the Pahlavi period.

Keywords: 18th parliamentary elections, Kermanshah, Nadali Karimi, Aziz Azam Zanganeh, Abdolhossein Amir Ehteshami, Abolfath Dolatshahi.

چکیده

انجام کودتا علیه دکتر محمد مصدق با حمایت قدرت‌های خارجی، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، آغازگر دور تازه‌ای از تاریخ پارلمانی ایران بود. بعد از این رخداد، مجلس و انتخابات به‌طور کامل در نظارت دولت و مأموران آن قرار گرفت. استان کرمانشاه واقع در غرب ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی و اهمیت ویژه‌ای که داشت و شعبه‌ای از شرکت نفت ایران و انگلیس در آن فعالیت می‌کرد، از بروز این کودتا، به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفت و این امر خواه‌ناخواه کنش سیاسی فعالان این شهر را نیز به دنبال داشت. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع، اسناد و مدارک موجود، درصدد پاسخ به این پرسش است که روند برگزاری هجدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه کرمانشاه چگونه بود و چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟ نتایج پژوهش، نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی مردم و فعالیت سابق کنشگران این شهر در انتخابات، بعد از براندازی دولت ملی، کاهش پیدا کرده و با انزوای آن‌ها، نتیجه انتخابات را دولت و متنفذین محلی وابسته به حاکمیت مشخص کردند. انتخابات این دوره، نخستین مرحله انتخابات کاملاً فرمایشی و دولتی بوده است که تا پایان دوره پهلوی تداوم یافت.

واژه‌های کلیدی: انتخابات، مجلس دوره هجدهم، کرمانشاه، نادعلی کریمی، عزیز اعظم زنگنه، عبدالحسین امیر احتشامی، ابوالفتح دولتشاهی.

مقدمه

پیروزی محمدرضا شاه علیه دکتر محمد مصدق با کمک حامیان داخلی و خارجی در جریان عملیات چکمه، چنان دارای اهمیت بود که می‌توان گفت، نقطه آغاز قدرت و سلطنت محمدرضا شاه به شمار می‌رفت. در ماه‌های بعد از کودتا که دارای تبعات سیاسی و اجتماعی فراوانی بود (علم، ۱۳۷۷: ۵۱۵)، شاه ارکان اصلی حامی دولت مطلقه به‌ویژه ارتش و مجلس شورای ملی را تحت نفوذ و اشراف خویش درآورد. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب نیروهای ملی و برقراری اختناق، دولت برای حفظ ظاهر مشروطیت و امضای قرارداد کنسرسیوم نفت، به تشکیل مجلس اقدام کرد. گرچه مجلس هفدهم تا این زمان بعد از استعفای تعدادی از نمایندگان آن، به صورت نیمه‌تعطیل در حال احتضار بود؛ اما برخی از نمایندگان بر لزوم تداوم آن تا پایان مهلت قانونی‌اش تأکید داشتند. دولت کودتا و شخص شاه تصمیم خود را گرفته بودند و بدون توجه به مخالفت‌ها، با صدور فرمان انحلال مجلسین، انتخابات مجلس بعدی، در اواخر پاییز ۱۳۳۲ش. با خشونت و قاطعیت تیمور بختیار که تقریباً تمامی حوزه‌های انتخابیه را تحت نظارت گرفته بود، آغاز گردید. دولت با این کار، در واقع با یک تیر دو نشان می‌زد؛ هم نمایندگان مخالف را به شکل قانونی از سر راه برمی‌داشت و هم با تظاهر به پابندی و وفاداری به قانون اساسی، مجلس جدید را که بهترین ابزار جهت توجیه و تأیید برنامه‌ها و اهداف خود بود، تشکیل می‌داد و این مرحله از اقتدارگرایی پهلوی دوم، با وقعه‌های کوتاه‌مدت، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش. تداوم پیدا کرد.

انتخابات فرمایشی در دوره هجدهم نه‌تنها در تهران، بلکه در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه در شهرستان‌های مختلف نیز جریان داشت. در این مرحله، استانداران با کمک ژاندارمری و فرمانداری‌ها، به‌شدت بر امر انتخابات نظارت می‌کردند و عنان مجلس را در دست داشتند (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۵۱۶). کرمانشاه به‌عنوان استانی مهم در غرب کشور، با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی آن و ارتباط مستقیم با تحولات پایتخت، جزء این حوزه‌ها به شمار می‌رفت و با

براندازی دولت ملی دکتر مصدق، شاهد مرحله دیگری از قدرت‌گیری متنفذین محلی و سلطنت‌طلبان محافظه‌کار بود که در نیمه دوم دهه ۱۳۲۰ش. در انزوای سیاسی قرار گرفته بودند. انتخابات این دوره در کرمانشاه عمدتاً به‌صورت یک‌طرفه، با قدرت‌نمایی مأموران رژیم و عناصر محافظه‌کار، صحنه‌های مبهمی از برگزاری انتخابات فرمایشی را به‌اجرا گذاشت. در این مرحله، عوامل دخیل در رقابت‌ها کاهش پیدا کردند و احزاب و جریان‌های سیاسی مستقل و نیمه‌مستقل به انزوا کشیده شدند و نامزدهای مورد اعتماد دربار بدون سروصدا، به مجلس راه یافتند. عزیز اعظم زنگنه، از مالکین بزرگ کرمانشاه و ابوالفتح میرزا دولتشاهی، از خاندان دولتشاهی و از مالکان اصلی غرب کشور هر دو با حمایت‌های عوامل وابسته به دولت، به مجلس معرفی شدند و همین‌طور عبدالحسین امیراحشام گوران کردند، از خوانین سرشناس و حاکم کرند غرب، ریژاو، قصرشیرین و حومه و نیز نادعلی کریمی که جزء مالکین بزرگ و مدیر روزنامه زبان غرب و از طرفداران جبهه ملی و سران نهضت بود، در دوره‌های مختلف مجلس، به نمایندگی برگزیده شدند (بهرامی ۱۳۸۹: ۴۱۰/۱).

درباره هجدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است، از جمله کتاب *نخبگان سیاسی در ایران*، نوشته زهرا شجیعی و کتاب *از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری*، تألیف یونس مروارید؛ اما در هیچ یک توجه ویژه‌ای به وضعیت انتخابات در کرمانشاه نشده است. اردشیر کشاورز و علی ططری در مجموعه‌های اسناد *انتخابات کرمانشاهان*، تنها به بازخوانی و انتشار اسناد موجود در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی همت گمارده‌اند که از مسئله انتخابات و موضوعات مرتبط با آن اطلاعاتی مفیدی کسب شد؛ محمدعلی سلطانی در کتاب *انجمن‌ها و احزاب سیاسی کرمانشاه* نیز به ذکر کلیاتی از فعالیت جریان‌ها و نیروهای سیاسی در این شهر بسنده کرده است. وی در این کتاب به احزاب، انجمن‌ها، فعالیت‌های حزبی و به‌صورت پراکنده به موضوع انتخابات

نموده و مجلسین دوباره کار خود را از سر گیرند (الموتی، ۱۳۷۰: ۲۲۲/۷).

اداره انتخابات وزارت کشور هم در بخشنامه‌ای به فرمانداری‌ها دستور داد که متن اعلامیه مذکور را برای اطلاع عموم اهالی منتشر کنند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۳۷۹). با شروع انتخابات، بار دیگر افراد، گروه‌ها، احزاب و رجال سیاسی و نظامی به تکاپو افتادند. نهضت مقاومت ملی که هسته اولیه آن را آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، رحیم عطایی، عباس رادنی و ناصر صدرالحفاظی تشکیل می‌داد، (صارمی، ۱۳۷۸: ۳۹) اهداف و برنامه‌های جبهه ملی را در سر داشته و با شعار «یا پیروز می‌شویم یا رسوا می‌کنیم» (طالبی، ۱۳۷۴: ۲۲)، وارد گردونه رقابت‌های انتخاباتی شد. این گروه در اعلامیه‌ای تحت عنوان «مظلومی که ظلم قبول می‌کند، گناهکارتر از ظالم است»، نامه‌ها و شکایاتی مبنی بر تقلب در انتخابات منتشر کرده و در اعلامیه‌ای از مردم تهران خواست که در حوزه‌های رأی‌گیری شرکت نمایند، تقلبات را گزارش کنند و رژیم را رسوا سازند. در ادامه دانشجویان و دیگر اقشار، حوزه‌های رأی‌گیری را زیر نظر گرفتند (اسناد نهضت مقاومت ملی، بی‌تا، ۱۰۶). در این مرحله فدائیان اسلام و دیگر احزاب و گروه‌های مذهبی نیز، شروع به فعالیت سیاسی و مذهبی کردند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۱۸۷). باقیمانده اعضای حزب توده که از حق انتخاب محروم شده بودند، با طرفداری از نهضت ملی و طرح ائتلاف سیاسی با آن، به تهدید دولت پرداختند؛ اما این اقدامات باعث شد به دام فرماندار نظامی بیفتند (بهنود، ۱۳۶۶: ۳۹۸). طرفداران آیت‌الله کاشانی هم در این دوره در رقابت‌ها شرکت کردند و حزب زحمتکش‌شان افرادی مانند مظفر بقایی، مهندس عقیلی، دیوشلی، مهندس باستانی، دکتر گوشه‌گیر و افراسیابی را به‌عنوان نامزدهای خود معرفی کردند (روزنامه اتحاد ملی، سال دهم، شماره ۳۰۶، ۱۱ اسفند ۱۳۳۲، ۴). با این حال، به‌رغم شرکت جناح‌های مختلف در رقابت‌های انتخاباتی، گرداننده اصلی در این سناریو، حکومت و دربار بود. از طرفی، رهبران

پرداخته، که مورد استفاده قرار گرفته است. روح‌الله بهرامی نیز در کتاب *انقلاب اسلامی در کرمانشاه* به نشان دادن نقش این شهر در پیروزی انقلاب اسلامی توجه و تمرکز کرده است. این اثر یکی از منابع تحقیقاتی، علمی و مستند درباره تاریخ معاصر کرمانشاه از انقلاب مشروطه تا وقوع انقلاب که در برخی از صفحات جلد اول آن، به امر انتخابات و ویژگی‌های حیات عمومی در کرمانشاه اشاره شده است، که از این اطلاعات نیز بهره کافی حاصل گردید. بنابراین، موضوع مقاله حاضر به‌رغم اهمیتی که داشته، تاکنون مغفول مانده است. مقاله پیش رو، با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد و پژوهش‌های معتبر کتابخانه‌ای، درصدد نشان دادن و واکاوی علل و روند برگزاری انتخابات مجلس هجدهم در شهر کرمانشاه و موضوعات مرتبط با آن است.

انتخابات مجلس هجدهم

از مهم‌ترین رویدادهای سال ۱۳۳۲ش، بعد از وقوع کودتا، فراهم کردن مقدمات برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی بود که دولت زاهدی و محمدرضا شاه از طریق آن بتوانند اهداف و برنامه‌های خود را پیش ببرند. برای تحقیق این مهم، دولت به افزایش مداخله در جوانب مختلف کشور پرداخت. سپهبد زاهدی در مقام نخست‌وزیر، رهبران و اعضای فعال حزب توده و جبهه ملی را سرکوب کرد و ترس و تهدید مداوم مخالفان در بازار، ارتش، ایلات و عشایر و دانشگاه‌ها در زمان او شدت گرفت (فوران، ۱۳۷۷: ۴۶۱). شاه بعد از اطمینان از بازیابی قدرت خود، با کمک زاهدی و با استفاده از دستاوردهای چند ماه ترور و ایجاد وحشت و خفقان به‌وسیله سلطنت‌طلبان، در ۲۸ آذر ۱۳۳۲، یعنی دوازده روز پس از واقعه ۱۶ آذر، اعلام کرد به دلیل استعفای بیشتر نمایندگان مجلس شورای ملی و غیرممکن شدن فعالیت قوه مقننه و اینکه دولت می‌بایست اقدامات خود را به تصویب مجلس برساند، بر اساس اصل ۴۸ اصلاحی قانون اساسی، دولت موظف است هر چه سریع‌تر اقدام به برگزاری انتخابات مجدد

عوام که به خیابان‌ها ریخته و موجبات سرنگونی مصدق را مهیا کرده بودند، به محل‌های رأی‌گیری آمده و به ارباب رأی‌دهندگان پرداختند (بیل، ۱۳۷۱: ۱۴۱).

نکته قابل‌ذکر در انتخابات دوره هجدهم، سرعت برگزاری و مدت‌زمان رأی‌گیری آن بود. این موضوع گرچه می‌توانست نشانه امیدوارکننده‌ای درباره رفع کاستی‌های قوانین انتخاباتی باشد که با کاهش مدت‌زمان آن، تقلبات و دست‌کاری‌های کمتری در نتایج صورت گیرد؛ اما دولت زاهدی که معمار اصلی انتخابات بود، قصد انجام انتخاباتی را داشت که به‌عنوان نخستین گام حکومت در لوای سلطنت، مستحکم و نمونه باشد (سفری، ۱۳۷۳: ۱۲۹/۲) و با سرعت بالایی نسبت به دوره‌های پیشین، نیاز دولت وقت به وجود مجلسی وابسته را برطرف و مهیا سازد (مروارید، ۱۳۷۷: ۵۴۱/۳).

دخالت‌های آمریکا و تلاش برای حل مسئله نفت، در این زمینه عامل مهمی به شمار می‌رفت و در این رقابت‌ها، زاهدی با کمک آن‌ها مانع از پیروزی جناح‌های رقیب شد. انگلستان هم نقش پررنگی داشت و بیشتر رجال و دولت‌ها را مقامات انگلیسی به شاه تحمیل می‌کردند (سنجایی، ۱۳۶۸: ۲۵۳). در این مرحله، تلاش‌های زاهدی برای اعمال نفوذ در انتخابات راه را بر همه اعضا و رهبران جبهه ملی بست (گازیوروسکی، ۱۳۷۳: ۲۸۴-۲۸۳). دیگر همکار زاهدی، محمدحسین جهانبانی، وزیر کشور بود که دستور تجدید انتخابات را صادر کرد و اعلام نمود که در تمام ایران، یک نفر نماینده، بدون دستور من از صندوق درنخواهد آمد (صفایی، ۱۳۶۳: ۱۶۳). بنابراین، در مقایسه با انتخابات دوره‌های قبلی که بیشتر مأموران شوروی و بریتانیا در انتخابات مداخله می‌کردند، این بار آمریکائیان در این عرصه به خودنمایی پرداختند. ارتش و دربار و سلطنت‌طلبان هم در این زمینه مورد حمایت آمریکا بودند و هر کدام در اجرای انتخابات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ایفای نقش می‌کردند (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۴۹-۱۳۶).

نقش اوباش و قداره‌کشانی همچون شعبان جعفری (بی‌مخ) در بی‌نظمی و قانون‌شکنی این دوره را نمی‌توان نادیده گرفت. این رویه و اقدامات مورد اعتراض بسیاری از کنشگران سیاسی و مذهبی قرار گرفت (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۱۸/۱-۱۱۵؛ جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۱) آیت‌الله کاشانی انتخابات فرمایشی توأم با تقلب را غیرقانونی، برخلاف اراده ملت و ناقض قانون اساسی معرفی کرد. او عقد هر نوع قراردادی را مخالف قانون دانسته و وعده داد که در اولین فرصت، متجاوزین به حقوق عمومی به مجازات خواهند رسید (دهنوی، ۱۳۶۲: ۱۱۷/۴-۱۱۶؛ سالمی، ۱۳۸۸: ۵۴۰-۵۴۴).

یکی دیگر از بنیادهای قدرت پهلوی، اشراف و متنفذین محلی و دولتخواه بودند که با بهره‌مندی و همراهی برخی از آن‌ها موجبات براندازی دولت ملی مصدق فراهم شده بود. اسدالله علم به‌وسیله اصلی‌ترین منبع اقتصادی خود یعنی اعتبارات مالی اداره املاک و مستغلات پهلوی و همراهی اعضای گروهش، انتخابات تهران و شهرستان‌ها را زیر نظر گرفت. محمدحسین نارویی، رئیس شهربانی زابل در نامه‌ای به علم بیان می‌کند که مشکلات و سختی‌های بسیاری برای برآورده کردن منویات وی در انتخابات هجدهم متحمل شده و تنها چیزی که باعث پیشرفت در انتخابات این دوره شد، فعالیت و زحمت طاقت‌فرسای شبانه‌روزی و برپایی مجالس دوستی و باز گذاشتن سر کیسه بوده است (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شناسه سند ۱۸-۸-۲-۷۹۴ع).

بنابراین، انتخابات این دوره تنها یک بندوبست دولتی بود؛ شاه و زاهدی، افراد منتخب مجلس شورای ملی، سناتورها، محافظه‌کاران و افراد کم‌وبیش شناخته شده محلی را تأیید نموده و آن‌ها با نظارت ساواک معرفی می‌شدند (سنجایی، ۱۳۶۸: ۲۵۴؛ شریف امامی، مصاحبه، ۱۹۸۳). اگر کاندیداهای منتخب مردم در لیست انتخابات بودند، صرفاً به این منظور بود که وانمود شود انتخابات آزاد است، اما برای مردم عجیب بود که چگونه در این انتخابات آزاد، هیچ‌یک از افراد منتخب و موردنظر آن‌ها به مجلس راه

دکتر مصدق در دادگاه لاهه^۱ موفق شود، وضع آنان بهتر خواهد شد (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۶۷۴۱).

با صدور حکم اخراج کارکنان انگلیسی شرکت نفت و وابستگان آنها، کارگران و کارمندان و تکنسین‌های ایرانی (ملی و محلی) جای آنها را گرفتند (ساکما، شناسه سند ۲۹۰/۸۴۴۴). در نتیجه اگرچه دکتر مصدق از سفر نخست خویش به دیوان بین‌المللی لاهه، نتیجه مطلوبی نگرفت، اما اقدامات و پیگیری‌های او، تمایل و حمایت مردم را نسبت به وی و جبهه ملی بیشتر نمود (همان، شناسه ۲۹۰/۶۸۵۲). الموتی که سوابق طولانی در کارهای مطبوعاتی و پارلمانی داشت، تصریح می‌نماید:

«به‌هرحال، نفت هم که ملی شد، یک احساسات عجیبی علیه شرکت‌های نفتی وجود داشت و ایشان [مصدق] هم در اوج عظمت و قدرت بودند. من یادم می‌آید در همان موقع من دعوت شدم به آمریکا ... تصادفاً مصادف شد با موقعی که آقای دکتر مصدق آمدند در سازمان ملل و نطقی هم ایراد کردند و در آن شرایط هم واقعاً می‌دیدم که وضع ایشان در دنیا خیلی بااهمیت تلقی شده بود و موقعیت بسیار ممتازی در دنیا داشتند» (الموتی، مصاحبه: ۱۹۸۳).

مشروعیت و مقبولیت عامه نسبت به دکتر مصدق و جبهه ملی در کرمانشاه که او را ناجی این شهر از دست بیگانه می‌دانستند، باعث شد تمایل بیشتری برای انتخاب او و کاندیداهای مورد نظرش پیدا کنند و نتیجه انتخابات هم همین‌طور شد. بعدها در جریان حوادث تیرماه ۱۳۳۱ش، مجدداً به حمایت از مصدق پرداختند و همسو با مخالفان در دیگر شهرهای کشور، در روز سی تیر در شهر کرمانشاه تجمعات گسترده مردمی در مقابل مأموران انجام گرفت و با تیراندازی نظامیان، چند نفر جان خود را از دست دادند و تعداد زیادی هم زخمی شدند (ساکما، شناسه سند ۲۹۰/۶۰۳۷). انتشار خبر زود هنگام پیروزی مجدد جبهه ملی و بازگشت دکتر مصدق، شادی و امیدواری زیادی در شهر

نمی‌یافتند (مکی، ۱۳۶۸: ۵۶۲). به هر ترتیب، مشخص بود که این انتخابات فرمایشی و متخین آن کاملاً سرسپرده دربار بودند (استمیل، ۱۳۷۷: ۴۳).

با پایان یافتن انتخابات، مجلس در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۳۲ افتتاح شد و از ۲۶ فروردین ۱۳۳۳ رسمیت یافت (شجعی، ۱۳۸۳: ۴۲۳۱). آن‌طور که دولت پیش‌بینی می‌کرد، با دستکاری و مداخله مأموران دولت، اغلب نمایندگان از جناح طرفدار سلطنت به مجلس راه پیدا کردند. در کرمانشاه نیز تکاپوی‌های زیادی برای انتخاب کاندیداهای مجلس وجود داشت.

وضعیت سیاسی و اجتماعی کرمانشاه در آستانه برگزاری انتخابات مجلس هجدهم

با آغاز نهضت ملی در شهر کرمانشاه، افراد و گروه‌های مختلفی در همسویی با آن، به مداخله در امور داخلی و از جمله انتخابات پرداختند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۶۱۱۲). با انجام عملیات «خلع‌ید» و در اختیار گرفتن تأسیسات شرکت نفت در ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰، دکتر مصدق با انتخاب هیئتی تصمیم گرفت (ازره و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۹۶)، تأسیسات پالایشگاه نفت کرمانشاه و میدان نفتی، نفت شاه (نفت‌شهر)، در قصرشیرین را از متصدیان شرکت سابق تحویل بگیرد. (ساکما، شناسه سند ۲۴۰/۲۵۵۱۲). سرانجام در تیرماه همان سال مهندس بلالی به‌عنوان نخستین رئیس ایرانی شرکت ملی نفت، در کرمانشاه انتخاب شد (ازره، همان).

بنابراین، در اول تیر ۱۳۳۰، تابلوهای شرکت سابق از تأسیسات مراکز مزبور برداشته و پرچم ایران بر روی بنای این اماکن نصب گردید (روحانی، ۱۳۵۲: ۱۵۹-۱۵۸). با انتشار این اخبار مردم مراسم بزرگی را در میدان مرکزی کرمانشاه با حضور مقامات و مسئولین برگزار کردند (اطلاعات، سال بیست و پنجم، شماره ۷۵۵۰، ۱ تیر ۱۳۳۰، ص ۱) و همچنین، به کارگران این نوید داده شد که اگر

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این میحث ر.ک: سنجایی، کریم. ۱۹۸۳. نواری، ۱۰، مصاحبه‌کننده ضیاءالله صدقی، چیکو: کالیفرنیا.

انتخابات حوزه کرمانشاه به آنجا اعزام شدند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۹۴). به قرار معلوم، دولت و عوامل حکومتی مصمم بودند که انتخاباتی آرام و بدون سروصدا برگزار نمایند. وزارت کشور به فرمانداری اعلام کرد، چنانچه مأمورین دولت عمداً و یا بر اثر مسامحه و سهل‌انگاری در انجام وظایف و دستورهای وزارت کشور مرتکب کوچک‌ترین تخلفی شوند، فوراً از کار برکنار و محاکمه خواهند شد (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۲۵۸). این همه تأکید بر نظارت و فشار بر ادارات و کارکنان دولتی برای جلوگیری از برهم خوردن انتخابات و لزوم برقراری آرامش و ممانعت از تحریک احتمالی افراد و نیروهای سیاسی، به‌خوبی نشان می‌دهد که این دوره باید انتخابات بدون حاشیه باشد و از مداخله افراد و احزاب در آن جلوگیری شود.

نام و تعداد آرای نمایندگان منتخب کرمانشاه در

هفدهمین دوره مجلس شورای ملی

شرکت مردم در انتخابات این دوره متأثر از تحولات جاری کشور، کاهش پیدا کرد و این موضوع در چندین حوزه از جمله کرمانشاه کاملاً محسوس بود؛ چراکه در این دوره تعداد کل آرای مأخوذه ۲۰۱۲۱ رأی بود (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۵). این تعداد در مقایسه با دوره پیشین که ۴۳۸۲۰ رأی در این حوزه به صندوق‌های انتخاباتی ریخته شد (کشاورز و ططری، ۵۳۶-۵۱۵)، کمتر از آرای دوره هفدهم بود و به عبارتی بیش از پنجاه درصد از مشمولین و واجدین شرکت در انتخابات، از دادن رأی خودداری کردند. این آمار نشان‌دهنده چند موضوع است که به‌نوعی در بطن خود دربردارنده عوامل انتخاباتی در این دوره است. با توجه به افزایش بیش از صد درصدی تعداد رأی‌دهندگان مجلس هفدهم نسبت به دوره شانزدهم، که بدون شک از طرفداران جبهه ملی و ملی‌گرایان بودند، (رستاخیز ایران، شماره ۲۶، سال یکم، چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۲۸: ۱) وقتی داستان کودتا و حوادث تابستان

کرمانشاه ایجاد کرد. به دلیل این پیشینه همکاری بود که وقتی با کودتای ۲۸ مرداد دکتر مصدق را از کار برکنار کردند، واکنش‌ها در کرمانشاه در دفاع از مواضع و گرایش‌های سیاسی، حالت خشونت‌آمیزی به خود گرفت. بنابراین، انتخابات این دوره، در فضایی رخ داد که ملی‌گرایان، کینه برخورد کودتاچیان و مخالفان دکتر مصدق با او را به دل گرفته بودند.

روند انتخابات دوره هجدهم در کرمانشاه

با صدور فرمان برگزاری انتخابات جدید، تلگراف وزارت کشور به فرمانداری کرمانشاه مبنی بر اطلاع از این تصمیم در ۳۰ آذر ۱۳۳۲ش ابلاغ شد (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۷۹). بعدازآن به روال سابق، مقدمات کار به‌وسیله کارگزاران محلی در حوزه‌های مختلف سراسر کشور فراهم شد و فرمانداری مرکزی در کرمانشاه نیز، این مطلب را به سایر بخشدارها اطلاع داد. علی‌اکبر فاتح، از طرفداران جناح محافظه‌کار در اعلامیه‌ای از دولت ملی زاهدی خواست که برای اصلاح امور و رفاه حال مردم کرمانشاه، هر چه زودتر انتخابات دوره هجدهم طبق موازین و قانون آغاز شود (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۱۶۷).

کرمانشاه در این سال‌ها، آبستن حوادث ریزودرشت زیادی بود؛ در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۳۲ معتمدین محلی از اعضای طبقات ششگانه^۲، در محل فرمانداری و مسجد عمادالدوله با حضور محمود شاه‌حسینی، فرماندار کرمانشاهان گرد آمده و اعضای اصلی و علی‌البدل انجمن نظارت بر حوزه‌های استان پنجم معرفی شدند. انجمن نظارت مرکزی تحت ریاست محمدعلی پاسبان دولتشاهی، روزهای ۷ تا ۹ فروردین ۱۳۳۳ را برای توزیع تعرفه و اخذ آراء در نظر گرفتند (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۵۲۷). این اخبار و تصمیمات با اعلامیه‌هایی به اطلاع عموم مردم رسید. قبلاً از طرف اداره انتخابات وزارت کشور، آقایان زین‌العابدین صدیقی و سالک شیرازی برای بازرسی

۲. طبقات ششگانه شامل: علما، اعیان، ملاکین، تجار، زارعین، معتمدین محلی و اصناف بودند.

تشکیل شد، مقرر گردید چون اعتراض و شکایتی به دفتر انجمن مرکزی و فرمانداری نرسیده است، در روز ۲۱ همان ماه اعتبارنامه نمایندگان صادر گردد و در ادامه فرمانداری کرمانشاه، صورت مذاکرات و جلسات انجمن را به وزارت کشور، ارسال نمود (ساکما، شناسه سند ۵۰۸۱/۲۹۳).

عوامل دخیل در انتخابات کرمانشاه

خوانین و متنفذین محلی در اکثر انتخابات مجالس شورای ملی نقش پررنگی داشتند. در زمان قدرت‌گیری ملی‌گرایان و روی کار آمدن دولت دکتر مصدق لوایح اصلاحی ارائه شد که طیف گسترده‌ای از مسائل گوناگون را در برداشت (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هفدهم، دوشنبه بیست مرداد ماه ۱۳۳۱). یکی از این قوانین، مربوط به وضع دودرصدی مالیات بر املاک بزرگ و کسر بیست درصد از بهره مالکانه بود. این موضوع موجب وضعیت ناگوار و مخالفت گسترده زمین‌داران و خوانین محلی شد. با فشار فراوان رعایا بر خوانین و خودداری برخی مناطق از پرداخت بهره مالکانه، آنان به تدریج به حاشیه رفته و دچار ضعف و انزوای سیاسی شدند (زاهد، ۱۳۸۷: ۱۰۰ و ۱۰۵). اما هیچ‌گاه از اعمال نفوذ و ثروت و قدرت خود برای مداخله در برگزاری انتخابات و تأیید نامزدهای موردنظر خویش، فروگذار نکردند. اما کودتای ۲۸ مرداد و شکست سنگین ملی‌گرایان، بار دیگر فرصتی به آن‌ها داد تا اقتدار ازدست‌رفته خود را بازیابند. در این راستا، کرمانشاه از جمله مناطقی بود که خوانین زمین‌دار و خاندان‌های مالک متعدد با نظام ارباب‌رعیتی می‌زیستند و در هر دوره، رعایای خود را به پای صندوق‌های رأی می‌کشاندند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۹۵). خاندان‌های زنگنه، دولت‌شاهی و دیگران با استفاده از ثروت و قدرت خود توانستند نتیجه انتخابات را رقم بزنند. گرچه اسناد و مدارک زیادی در این زمینه و راجع به حواشی انتخاباتی در دوره هجدهم کرمانشاه بر جای نمانده، اما همچون بسیاری از دیگر حوزه‌ها، برنامه‌ای که از طرف دولت زاهدی و شاه به فرمانداری‌ها ابلاغ شده بود، مانع از آزادی آراء و شرکت عمومی در انتخاباتی سالم می‌شد. نادعلی

۱۳۲۲ش، پیش آمد، جمع زیادی از مردم کرمانشاه از سیاست و شرکت در انتخابات، به‌نوعی بیزار شدند و دیگر تمایلی برای حضور در پای صندوق‌های رأی نداشتند. کسانی که با انگیزه پیروزی ملی‌گرایان در انتخابات پیشین شرکت کردند، در این دوره توجهی به آن نداشتند و به این دلیل میزان مشارکت پایین آمد.

به‌هرحال، طبق گزارش انجمن نظارت در مورخه ۱۰ فروردین ۱۳۳۳، در حوزه‌های چهارگانه شهر کرمانشاه (مسجد عمادالدوله، مسجد جامع، مسجد ترک‌ها، مسجد نواب)، نادعلی کریمی، فرزند حاج محمدرضا دلال باشی، از مالکین و تاجران نامدار کرمانشاه (سلطانی، ۱۳۷۰: ۳۴۰/۱) با ۳۴۶۳ رأی، نفر اول این رقابت شد (ساکما، شناسه سند ۵۱۸۴/۲۹۳). نکته قابل‌توجه اینکه، آقای کریمی در وهله نخست به طرفداری از حزب توده و سپس جبهه ملی مشهور بود (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۴۸۹-۴۸۷). او هم‌چنین رابطه سببی با آیت‌الله کاشانی داشت و از دولت مصدق نیز حمایت می‌کرد و از این رو انتخابش در این دوره که هر دو جناح فوق (توده و جبهه ملی) از گردونه رقابت‌ها خارج شده بودند، جالب به نظر می‌رسید. بعد از وی به ترتیب، عبدالحسین امیراحشامی، حاکم کرند غرب، نوه علیمراد خان سرتیپ، از نوادگان فرح سلطان کردی، با ۳۱۸۲ رأی، عزیز اعظم زنگنه که خود و خاندان او سابقه درخشانی در شاه‌دوستی داشتند، با ۳۱۷۷ رأی و ابوالفتح دولت‌شاهی از معتمدین دربار، با ۳۱۶۹ رأی، (ساکما، همان؛ سلطانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶) پیروز انتخابات شدند. قدرت مالی و خاندانی این افراد، در موفقیت آن‌ها نقش مهمی داشت و آن‌ها بدون کمترین مخالفت به مجلس راه یافتند (بهرامی، همان: ۴۱۰) و مشخص بود دولت مرکزی کاندیداهای موردنظر خود را از قبل تعیین و بدون شک همان‌ها به مجلس راه یافتند.

بدین ترتیب، در جلسه ۱۹ فروردین ۱۳۳۳ که بیست و چهارمین جلسه انجمن نظارت بر انتخابات کرمانشاه به ریاست حاج عبدالحسین شهلایی در محل استانداری

درستی ندارد. لازم است فوراً یکی از کارمندان مطمئن وزارت برای رسیدگی به امور تعیین و به کرمانشاه فرستاده شود (همان، ۹۶).

در این رابطه، پرونده‌ای در سازمان اسناد ملی ایران موجود است که نظر به اهمیت آن، برای تشریح انتخابات مجلس هجدهم در کرمانشاه، به‌ویژه از منظر آمار و ارقام و نامه‌نگاری بین اداره انتخابات وزارت داخله با متولیان امر در کرمانشاه خالی از فایده نیست. تحصن در تلگراف‌خانه کرمانشاه به‌وسیله طرفداران امیراحتشامی برای پیشرفت کار او، از جمله اقدامات انجام شده بود. باین‌حال، این اقدام موجب عکس‌العمل برخی دیگر از حامیان نادعلی کریمی شد.

بعد از صدور فرمان شاه مبنی بر برگزاری انتخابات، رقابت‌های انتخاباتی در زمستان ۱۳۳۲ ش. در شهر کرمانشاه نیز جریان داشت. در بحبوحه معرفی نامزدها و آغاز به کار تبلیغات برای جمع‌آوری آراء، تعدادی از مردم کرمانشاه در نامه‌ای به نخست‌وزیر، زاهدی تأکید داشتند که انتخابات در کرمانشاه آزاد نیست و تخلفاتی از کاندیداها مشاهده شده که مردم از آن مطلع هستند و این برخلاف فرمایش شاهنشاه است. بنابراین، باید اجازه داده شود اشخاصی که مقبولیت و معروفیت لازم بین مردم را دارا هستند، انتخاب شوند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷: ۱۳-۱۱).

این در حالی بود که خود زاهدی یکی از طراحان اصلی انتخابات فرمایشی این دوره به شمار می‌رفت و به اصطلاح «کاسه داغ‌تر از آتش بود»؛ شاکیان کرمانشاهی که او را به قضاوت و بررسی درخواست‌های خویش گمارده بودند، چندان از این موضوع اطلاع نداشتند و برگزاری انتخابات سالم و مردمی را بر نمی‌تاییدند و درصدد بودند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. یکی از مخالفان کریمی، در بیانیه‌ای به مردم کرمانشاه اعلام نمود که هوشیار باشید و مبارزه کنید که انتخابات حق مسلم شماست و اشخاص صالح، شاه‌دوست و میهن‌پرست را به مجلس بفرستید و مراتب انزجار خود را به نادعلی کریمی ابراز دارید (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۹۴).

کریمی که در دوره پیشین هم از این حوزه انتخاب شد، با صدور فرمان تجدید انتخابات، به فعالیت پرداخت. این موضوع واکنش مخالفان و رجال شاه‌دوست را برانگیخت. آن‌ها معتقد بودند حضور وی در مجلس می‌تواند موجبات اغتشاش و خونریزی را مانند دوره قبل فراهم نماید (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷) پس با هدف تخریب چهره او، دست به تبلیغات زدند. همین‌طور تعدادی از مردم کرمانشاه در تلگرافی به نخست‌وزیر، کریمی را فردی خائن به کشور، مقام سلطنت و ارتش شاهنشاهی قلمداد کردند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷) و بیش از ۵۰۰ نفر از مخالفان کریمی در تلگراف‌خانه کرمانشاه تحصن کرده و با صدور اعلامیه‌ای، اظهار نمودند که وی به‌هیچ‌وجه شایستگی نمایندگی را ندارد، اما درنهایت، از بین چهار نفر، آقای کریمی یکی از منتخبین بود (ساکما، شناسه سند ۲۹۷/۵۸۷۹).

باین‌حال، طبق تلگرافی از طرف آقای شاه‌حسینی، فرماندار و رئیس کمیسیون امنیت اجتماعی کرمانشاه به وزارت کشور، انتشار این بیانیه‌ها، به حساب اغتشاش و تلاش برای برهم زدن اوضاع گذاشته شد و برای جلوگیری از آشوب، حتی آقای علی‌اکبر فاتح در شهربانی کرمانشاه زندانی و طبق رأی صادره، به سه ماه اقامت اجباری در شهرستان خرم‌آباد محکوم گردید (همان، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷، ص ۹۴).

بنابراین، نادعلی کریمی از منتخبین این دوره، قبلاً موافقت شاه و زاهدی را گرفته بود. به هنگام شیوع اخبار انحلال مجلس و تعطیلی نصف‌ونیمه مجلس شورای ملی، در کرمانشاه برخی از فعالان سیاسی برای کاندیدا شدن در انتخابات جدید، اعلام آمادگی کردند و برای جذب طرفداران به تکاپو افتادند. همین‌طور دولت کودتا که درصدد تشکیل مجلسی کاملاً مطیع و انتخاباتی فرمایشی بود، به‌وسیله عمال خود فشار زیادی بر داوطلبان نمایندگی وارد آورد. وقتی اخبار ناآرامی در کرمانشاه و رقابت و انتشار اعلامیه نامزدها و طرفداران آن‌ها علیه یکدیگر، به نخست‌وزیر ابلاغ شد، او در نامه‌ای به وزارت دادگستری اظهار داشت که جریان تبلیغات انتخاباتی در کرمانشاه وضع

همین‌طور از برخی اسناد و شکایات باقی‌مانده از انتخابات دوره هجدهم در کرمانشاه، می‌توان پی برد، اعتراضاتی نسبت به نمایندگان منتخب وجود داشته است؛ از جمله شکایت از ابوالفتح دولتشاهی که به‌زعم شاکی (محمودلی دولتشاهی)، هیچ‌گونه حسن خدمتی از خود نشان نداده است (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۴). جالب اینجاست که این فرد از طایفه دولتشاهی بود که بیشترین حامیان ابوالفتح را تشکیل می‌دادند.

احزاب و جریان‌های سیاسی کرمانشاه و انتخابات مجلس

احزاب و دستجات سیاسی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، بعد از یک دهه فعالیت سیاسی و اجتماعی، کم‌کم رو به ضعف نهادند و جناح‌های سیاسی دهه ۱۳۲۰ ش، قدرت خود را از دست دادند و به‌وسیله متفذین محلی و عوامل بیرونی به‌ویژه گروه سلطنت‌طلب و محافظه‌کار، دچار پراکندگی قدرت شدند و تغییراتی در سرنوشت آن‌ها به وجود آمد. در کرمانشاه تعداد زیادی از دبیران و دانش‌آموزان و قشر فرهنگی و تحصیل‌کرده و روشنفکر در حزب توده فعالیت و در توسعه آن نقش داشتند. طبق گزارش مرزبانی قصرشیرین، دبیر و آموزگاران که به این منطقه منتقل شدند، در حزب توده تبلیغات می‌کرده‌اند. این فعالیت‌ها در این منطقه که جزء مناطق مرزی کشور به شمار می‌آمد، بسیار مورد توجه بود چون بیش از سایر مناطق می‌توانست انعکاس و اثر سوء به‌جا گذارد (مرکز اسناد همدان، شناسه سند ۹۱/۲۹۳/۲۰۴۹). در دبیرستان شاپورگان کرمانشاه تعداد زیادی از دانش‌آموزان به دلیل پیوستن به این حزب اخراج شدند (عموی، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۶). اما با وجود این در جریان انتخابات دوره‌های هفدهم و هجدهم، مدیران و معلمان مدارس با صدور بیانیه‌هایی مخالفت خود را با رژیم استبداد و انتخابات فرمایشی نشان دادند و نیز در میان کارگران شرکت نفت، دهقانان، لوطیان و اصناف مختلف شهر و افرادی از دیگر اقشار و طبقات اجتماعی این شهر، به این تشکیلات پیوستند و بازار آن را گرم کردند (بهرامی، ۱۳۸۹: ۲۳۸-۲۳۹). در این شرایط،

تعدادی از اهالی نیز در تلگراف‌های مکرر به نخست‌وزیری، تأکید داشتند که مردان شاه‌دوست و میهن‌پرست باید به مجلس راه یابند و نامزدهای موردنظر خود را معرفی می‌کردند (روزنامه خسروی، شماره ۳۰۹، سه‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۴۲: ۴۱). از جمله این افراد، محسن اجاق، فرزند سید حسن اجاق، قاضی معروف شهر کرمانشاه، محمدحسین صالحی و نظام‌الدین جلیلی بودند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷: ۲۷ و ۱۰۵). اما این افراد موفق به اخذ رأی نشدند. در انتخابات این دوره، برخلاف بسیاری از دوره‌های پیشین که زدوخوردهایی بین جناح‌های مختلف رخ می‌داد، در نتیجه نظارت شدیدتر و اعمال تدابیر امنیتی و نظامی، اتفاق ناگواری پیش نیامد. بنابراین، با اتمام انتخابات، استانداری استان پنجم در نامه‌ای به وزارت کشور، از متولیان امر تقاضا کرد که نتیجه زحمات و تلاش‌های مأموران از جمله سرهنگ شریفی، رئیس شهربانی کرمانشاه را مورد تقدیر قرار دهد (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۴).

قدرت‌های خارجی هم گرچه در کشور نفوذ فراوانی داشتند و شاه از آن‌ها به‌ویژه انگلیس هراس داشت و آن‌ها با بازاریان، برخی روحانیون، سرمایه‌داران و به‌ویژه ایلات و عشایر، رجال و کارگزاران سیاسی، نظامی و غیره مرتبط بودند (سنجایی، ۱۳۸۰: ۲۵۴) اما در این مرحله از انتخابات حوزه کرمانشاه، نمایندگان دولت‌های خارجی مداخله‌ای نکردند. بلکه دولت در بحبوحه سال ۱۳۳۲ ش به‌ویژه بعد از انجام کودتا، در بسیاری از شهرها، جناح طرفدار دربار و سلطنت را بر کرسی نشانده و به‌نوعی آنان را اجیر کرده بود تا در راستای منافع شاه و حکومت قدم بردارند. روزنامه کوکب غرب نوشت:

«...این ملت می‌داند که پیشوای فداکار از میان تیپ جاهلی که دست راست و چپ خود را نمی‌شناسد و مطامع کلان آن‌ها را به این روز سیاه نشانیده است، بر نمی‌خیزد» (کوکب غرب، شماره ۱۴، روز پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۳۲: ۱).

حزب توده تنها حزب واقعی و سازمان‌یافته کشور به حساب می‌آمد. احزاب دیگری نیز در کرمانشاه تشکیل شده بودند که به لحاظ ایدئولوژیک با هم اختلاف نظر داشتند (سنجابی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ عمومی، همان: ۲۵). حزب عدالت به رهبری علامه وحیدی از مجتهدین به نام کرمانشاه، با ملاکین منطقه از جمله معتضدی‌ها، پالیزی‌ها، خوانین کلیایی، به خنثی‌سازی اقدامات توده‌ای‌ها همت گماشتند؛ به طوری که بخش مهمی از تحولات کرمانشاه را به خود اختصاص داد (سلطانی، ۱۳۷۸: ۲/ ۴۲۵؛ طیرانی، ۱۳۸۴: ۲/ ۷۹۶-۷۹۷). این احزاب دارای ایدئولوژی مدونی نبودند و هدف آن‌ها بیشتر حفظ وضع موجود بود (طیرانی، ۱۳۷۶: مقدمه). بعد از کودتا ضربه سهمگینی به فعالیت احزاب سیاسی در این شهر وارد آمد. بنابراین، در هنگام تبلیغات برای برگزاری انتخابات، بسیاری از رهبران احزاب سیاسی در این دیار، حبس، تبعید و تحت تعقیب قرار داشتند و یا اینکه منزوی شده و دیگر شرایط و جرئتی برای ابراز وجود و فعالیت سیاسی و تبلیغاتی برای پیروزی نامزدهای مورد نظر خویش را نداشتند (کشتمند و امرایی، ۱۳۹۴: ۴۶۹). مردم هم تصور می‌کردند با این کارشکنی‌ها و دخالت‌ها، از راه حزب نمی‌توانند اهداف خود را پیش ببرند. بنابراین، احزاب سیاسی در محاق فرورفته و در مقابل، افراد و نیروهای طرفدار شاه و سلطنت بر ارکان قدرت محلی تسلط یافتند (دولت‌شاهی، مصاحبه، ۱۹۸۴). معتمدین محلی برای شاه و دربار، کسانی بودند که باید حافظ منافع آن‌ها باشند و با شروع انتخابات دوره هجدهم، این رابطه استحکام بیشتری پیدا کرد. عناصر محافظه‌کار سرسپرده به حکومت، در گزارش‌های خود، تلاش برای تحقق چنین خواسته‌ای را به گوش مقامات می‌رساندند که مقدرات کشور به دست خیانت‌کاران سپرده نشود و امثال نادعلی کریمی با سوابقی که در کرمانشاه دارد، به مردم تحمیل و انتخاب نشوند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷).

از محتوای این گزارش‌ها، به خوبی می‌توان به فضای سیاسی و مخالفت محلی با نامزدها و گروه‌های طرفدار

جبهه ملیون و یا افرادی که به طرفداری از این جناح مشهور بودند، پی برد. از طرفی برخی از اعضای حزب منحل توده هم در این ایام، به بهانه دیدوبازدید با یکدیگر، جلساتی را ترتیب دادند و به فعالیت سیاسی مشغول بودند و طبق گزارش شهربانی به استانداری کرمانشاهان، این افراد درصدد بودند تا دو روز قبل از شروع انتخابات، در شهر کرمانشاه اغتشاشاتی بنمایند تا جریان انتخابات به تأخیر بیفتد و بنابراین، با افزایش تدابیر امنیتی در شهر، این افراد مظنون به همکاری با رهبران حزب توده، توقیف شدند (مرکز اسناد همدان، شناسه سند ۹۱/۲۹۳/۱۹۷۱). اما برتری با احزاب طرفدار دولت بود و رقابت‌های حزبی و مشارکت سیاسی احزاب که در انتخابات دوره‌های چهاردهم تا هفدهم مجلس شورای ملی وجود داشت، جای خود را به دو جناح طرفدار رژیم و طرفداران حاکمیت ملی و برقراری قانون اساسی مشروطیت داد.

گرچه در این کارزار تبلیغاتی و انتخاباتی، برتری با جناح حکومتی بود؛ اما جناح مقابل هم بیکار ننشسته و با صدور اعلانیه و تلگراف و برپایی سخنرانی و دیگر روش‌های تبلیغاتی، سعی کرده که مانع از انتخاب نامزدهای رقیب شود. در همان زمان، تعدادی از مردم کرمانشاه در تلگرافی به مرکز، از خدمات کریمی، نماینده کرمانشاه در دوره هفدهم تشکر و قدردانی کرده و او را فردی لایق برای به دست گرفتن مجدد وکیلی مجلس دانستند (ساکما، شناسه سند ۲۹۳/۵۰۸۷: ۱۵۲).

بنابراین، در این دوره، رقابت‌های محلی که بیشتر حول محور منافع ملی و همکاری و یا مخالفت با جبهه ملی دور می‌زد، عامل مهمی در تعیین نتیجه انتخابات بود. در پاسخ به درخواست محرمانه سلیمان یونسی، مدیر روزنامه ستاره غرب، مبنی بر ملاقات زاهدی با برخی از کاندیداها و تنظیم لیستی برای توفیق کاندیداها، انتخابات دوره هجدهم، آقای نخست‌وزیر اشاره کرده که ملاقات با این افراد به معنای انتخاب آن‌ها برای نمایندگی نیست و روزانه از این دست مسائل، زیاد صورت می‌گیرد. گفته شد هرکسی که مورد تمایل اهالی باشد، می‌تواند حائز اکثریت آراء

فراهم کرد تا انتخابات در کمال آرامش برقرار شود که در حوزه کرمانشاه هم اوضاع به همین منوال گذشت.

صدور اعتبارنامه نمایندگان و تأیید صحت انتخابات کرمانشاه

به روال سابق، آخرین پرده نمایش انتخابات، بررسی و صدور اعتبارنامه وکلا بود. انجمن نظارت بر انتخابات در ادامه شمارش آراء و رسیدگی‌های لازم، اعتبارنامه نمایندگان منتخب را قرائت و صورت‌منتخبین را به مجلس ارسال کرد. مجلس نیز در جلسه پنجم، صحت اعتبارنامه‌ها را تأیید نمود. تنها نماینده مخالف، آقای میراشرفی بود که او نیز در پایان این جلسه اعلام کرد به احترام آقای نخست‌وزیر مخالفت خودم را پس می‌گیریم (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هجدهم، جلسه ۵، پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳).

گفته شد که هیچ‌گونه اعتراض و نارضایتی نسبت به روند و جریان انتخاب این وکلا، حتی یک مورد از سوی اهالی کرمانشاه، به انجمن نرسید. با توجه به وجود اعتراضات و شکوایه‌های مردمی در جریان هر انتخاباتی، بدون شک بوده‌اند کسانی که نسبت به ماهیت آن شکایت داشته‌اند، اما در این دوره با توجه به نظارت و تسلطی که مأموران نظامی و عوامل وابسته به رژیم و مقامات حکومت در امر برگزاری انتخابات اعمال کردند، امکان اعتراض وجود نداشت و اگر اعتراض و گله‌مندی در جریان رأی‌گیری صورت گرفته، انجمن نظارت به آن رسیدگی نکرد و گزارش آن سراسر حاکی از برقراری نظم و آرامش کم‌سابقه در این ایام بود.

گردد. زمانی که کریمی و دیگران در مسافرتی به تهران با زاهدی دیدار کردند، جمعی از اهالی این موضوع را حمل بر فرار او دانسته و از زاهدی خواستند تا مانع از بازگشت او به کرمانشاه شود (همان: ۱۷۲). آن‌ها حتی به نخست‌وزیر وقت گوشزد کردند که اگر هر چه زودتر راجع به ائتلاف خود با کریمی، سریعاً ذهن مردم را روشن و آن را تکذیب نکند، نباید هیچ‌گونه انتظاری از مردم کرمانشاه داشته باشد و با مخالفت عمومی مواجه خواهد شد (همان: ۱۷۵). دقیقاً معلوم نیست بین این‌ها چه صحبت‌هایی ردوبدل شده، اما محتمل است که وی دوباره به غرب کشور آمد و با شدت بیشتری به تبلیغ برای پیروزی، همت گمارد. در انتخابات، طرفداران کریمی هم به ذکر خدمات و کارنامه او، اشاره کرده و عنوان می‌کردند «به کوری چشم دشمنان سلطنت و مشروطیت، آرای خود را به ایشان خواهیم داد» (همان: ۱۶). جمعی از عشایر در نامه‌ای به نخست‌وزیر، او را مورد اعتماد و اطمینان خود معرفی کردند (همان: ۱۸۲). گروهی دیگر که خود را نماینده قاطبه اهالی و اصناف مختلف کرمانشاه دانستند، مخالفان کریمی را عده‌ای جمهوری‌ساز و رفراوندچی دانسته که مخالف مشروطیت و مقام شامخ سلطنت بوده و مطالب بی‌اساسی علیه ایشان مخابره کرده‌اند (همان: ۱۶۹). با توجه به این مطالب و اسناد دیگری که در این پرونده موجود است، انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی در حوزه کرمانشاه، برخلاف بسیاری از دوره‌های پیشین که هم مأموران خارجی و هم احزاب^۳ و جریان‌های سیاسی در امر رأی‌گیری سهیم بودند، بیشتر تحت تأثیر اطرافیان نامزدها قرار داشت و شکست ملی‌گرایان و دستگیری رهبران فکری آن باعث نوعی تشمت و فقدان انسجام بین بازماندگان ملی‌گرایان شد. به‌علاوه اطمینان دولت کودتا و محمدرضا شاه که خواهان برقراری و روی کار آوردن مجلسی وابسته و گوش‌به‌فرمان بودند، بستری

کزازی، متهم سیاسی از زندان شهربانی، حزب منحلّه توده جانی گرفته و دامنه تبلیغات خود را تقریباً علنی نموده‌اند. چنانچه از عملیات آنان جلوگیری نشود، بیم هرگونه بی‌نظمی می‌رود» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۰/۳۶۹۶).

۳. سر تیپ امیر پرویز، فرمانده ژاندارمری کل کشور، اطلاعاتی درباره فعالیت برخی از اعضای جناح‌های سیاسی کرمانشاه بدین شکل ارائه کرد: «در نهم فروردین ۱۳۳۲ ش از طرف عمال حزب جدیدالتأسیس سوسیالیزم برای دومین بار در مسجد جامع کرمانشاه میتینگ داده شده که در اثر مراقبت مأمورین انتظامی، حوادث سوئی رخ نداد. از روز مرخصی آقای سید محمد

نتیجه

انتخابات مجلس هجدهم در تاریخ پارلمانی ایران، نویدبخش آغاز مرحله دیگری از حیات سلطنت و اقتدارگرایی پهلوی بود. با توجه به اینکه محمدرضا شاه از ابتدای روی کار آمدن، آلت دست وزراء و کابینه‌ها بود و وجود دموکراسی ناقص بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. عملاً نقش پررنگی در تصمیمات مهم و امر انتخابات مجلس شورای ملی نداشت؛ اما مجلس جدید بعد از کودتای سیا و براندازی دولت ملی دکتر مصدق، وظایف مهمی برعهده داشت و باید مصوبات چالش‌برانگیزی را در مناسبات با قدرت‌های خارجی، به تصویب می‌رساند، برای شاه تازه‌قدرت یافته، خیلی بااهمیت بود که بر روند برگزاری آن، نظارت کامل نماید تا بدین‌وسیله از انتخاب و راه‌یابی نامزدهای نیمه‌مستقل و وابسته به احزاب و نیروهای غیرسلطنت‌طلب ممانعت کند. برگزاری انتخابات این دوره یاد و خاطره انتخابات دوره رضاشاه را زنده کرد و بیشتر وکلای منتخب، افرادی بدون حاشیه و بی‌سروصدا بودند، تا کار و هدف اصلی شاه یعنی مسئله نفت را با ظاهر قانونی، از تصویب مجلس انتصابی بگذرانند.

کرمانشاه کانون تحولات نفت ایران بود؛ از همین رو، در تحولات تاریخی ایران، بعد از قرارداد داری و در جریان حوادث ملی شدن صنعت نفت و دیگر تحولات، به‌عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی، در فضای مبارزاتی کشور تأثیر فراوانی داشته و مخالفت خود را نسبت به اقدامات دولت و دربار ابراز می‌نمود. در جریان انتخابات دوره هجدهم، دولت به‌وسیله مأموران دولتی و نظامی از جمله فرمانداری، شهربانی و استانداری، به مداخله پرداخته تا بدون کمترین موردی، کاندیداهای مورد اعتماد، به مجلس معرفی شوند. در این دوره از انتخابات، سه نفر از چهار کاندیدای معرفی شده، ارتباطی با احزاب ملی‌گرا و ضد دربار نداشتند. تنها نادعلی کریمی همراه خانواده خود در این رویدادها و پیروزی نهضت ملی در کرمانشاه نقش مهمی ایفا کرد؛ وی که از نظر مخالفان، در سوابق فعالیت‌های سیاسی او، همکاری با حزب توده و حتی

ملی‌گرایان وجود داشت، یکی از افرادی بود که در این دوره کاندیدا شده و نهایتاً رأی آورد. با توجه به این موضوع، به احتمال زیاد وی دچار چرخش گفتمانی شده و مواضع فکری و گرایش سیاسی سابق خود را کنار نهاده و تغییر داده است. به هر ترتیب این مسئله باعث نارضایتی بسیاری از محافظه‌کاران و بدگویی نسبت به او شد. اما کریمی قبلاً رضایت شاه و نخست‌وزیر کودتا، زاهدی را جلب نموده بود و سرانجام بدون مخالفت جدی، به مجلس راه یافت.

موضوع قابل ذکر دیگر اینکه، بسیاری از نمایندگان این حوزه پس از انتخاب شدن و راه‌یابی به مجلس، دیگر عملاً کاری به مطالبات و احتیاجات مردم نداشتند، گرچه در این زمینه استثنائاتی هم وجود داشت و در برخی از جلسات مجلس، به وضعیت کلی مردم نیز اشاره می‌کردند، اما قریب به اتفاق وکلای حوزه کرمانشاه، از بین زمین‌داران و کارمندان دولت، افراد بدون حاشیه بودند که در تشریح وضعیت حوزه انتخابیه خویش، به رژیم و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی آن انتقاد نداشته و با اثبات سرسپردگی خود به شاه و سلطنت، دوره نمایندگی خود را تمدید می‌کردند. بنابراین، انتخابات مجلس هجدهم کاملاً در اختیار دولت و مأموران دولتی قرار داشت و افرادی به مجلس معرفی شدند که توانسته بودند رضایت دربار را به دست آورند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) شناسه سندهای، ۲۴۰/۲۵۵۱۲، ۲۹۳/۵۱۸۷، ۲۹۳/۵۳۷۹، ۲۹۳/۵۰۹۴، ۲۹۳/۵۰۸۱، ۲۹۳/۵۰۸۵، ۲۹۳/۵۱۸۴، ۲۹۷/۵۱۷۹، ۲۹۳/۵۰۸۴، ۲۹۰/۳۶۹۶، ۲۹۳/۵۰۸۵، ۲۹۳/۵۰۸۷، ۲۹۳/۵۱۶۷، ۲۹۳/۵۰۷۹، ۲۹۰/۶۸۵۲، ۲۹۰/۸۴۴۴، ۲۹۳/۶۷۴۱، ۲۹۳/۵۲۵۸، ۲۹۰/۶۱۱۲، مرکز اسناد همدان، شناسه سند ۹۱/۲۹۳/۱۹۷۱، ۹۱/۲۹۳/۲۰۴۹، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شناسه سند ۱۸-۸-۲-۷۹۴ع.

نشریات

اتحاد ملی، سال دهم، شماره ۳۰۶، ۱۱ اسفند ۱۳۳۲.
اطلاعات، سال بیست و پنجم، شماره ۷۵۵۰، ۱ تیر ۱۳۳۰.
کشاورزان غرب، سال اول، شماره ۴، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۳۰.
کوکب غرب، شماره ۱۴، روز پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۳۲.
رستاخیز ایران، شماره ۲۶، سال یکم، چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۲۸.
روزنامه خسروی، شماره ۳۰۹، سه‌شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۴۲.
سفری، محمدعلی (۱۳۷۳). قلم و سیاست: از استعفای رضاشاه تا سقوط مصدق، ج ۲، تهران: نامک.
سنجایی، علی اکبر (۱۳۸۰). ایل سنجایی و مجاهدت ملی، تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران: شیرازه.
سنجایی، کریم (۱۳۶۸). امیدها و ناامیدی‌ها: خاطرات، لندن: نشر کتاب.
_____ (۱۹۸۳). نوار ۱۰، مصاحبه‌کننده ضیاءالله صدقی، چیکو: کالیفرنیا.

کتاب‌ها

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
_____ (۱۳۹۲). کودتا: مرداد ۱۳۳۲، سازمان سیا و ریشه‌های روابط کنونی ایران و آمریکا، ترجمه هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
اسناد نهضت مقاومت ملی، اسناد درون‌سازمانی. بی‌تا. ج ۵، بی‌جا: انتشارات نهضت آزادی ایران.
استمپل، جان. دی (۱۳۷۷). درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: رسا.
الموتی، مصطفی (۱۳۷۰). ایران عصر پهلوی، ج ۷، لندن: پکا.
_____ (۱۹۸۳). نوار ۱، مصاحبه‌کننده حبیب لاجوردی، لندن: انگلستان.
بهرامی، روح‌الله (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی در کرمانشاه، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
بهنود، مسعود (۱۳۶۶). دولت‌های ایران از سید ضیا تا بختیار ۱۳۵۷-۱۳۹۹، تهران: جاویدان.
بیل، جیمز (۱۳۷۱). شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: فاخته.
جعفری، شعبان (۱۳۸۱). گفتگو با شعبان جعفری، به کوشش هما سرشار، لس‌آنجلس: ناب.
دهنوی، محمد (۱۳۶۲). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی از فردای کودتای ۲۸ مرداد تا درگذشت آیت‌الله کاشانی، ج ۴، تهران: چاپخش.
دولت‌شاهی، مهرانگیز (۱۹۸۴). نوار ۶، مصاحبه‌کننده شاهرخ مسکوب، پاریس: فرانسه.
روحانی، فؤاد (۱۳۵۲). تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تهران: امیرکبیر.
سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۸). نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از نگاهی دیگر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
_____ (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج ۱، تهران: شقایق.
_____ (۱۳۷۸). احزاب سیاسی و انجمن سری در کرمانشاه، ج ۲، تهران: سها.

زهره (۱۳۸۳). نخبگان سیاسی ایران: نمایندگان مجلس، ج ۴، تهران: سخن.
شرف امامی، جعفر (۱۹۸۳). نوار ۶، مصاحبه‌کننده حبیب لاجوردی، نیویورک: آمریکا.
صارمی شهاب، اصغر (۱۳۷۸). احزاب دولتی و نقش آن‌ها در تاریخ معاصر ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳). زندگینامه سپهبد زاهدی، تهران: علمی.
علم، مصطفی (۱۳۷۷). نفت، قدرت و اصول: پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: چاپخش.
عمویی، محمدعلی (۱۳۷۹). ژرد زمانه: خاطرات، تهران: اشاره.
طبرانی، بهروز (۱۳۷۶). اسناد احزاب سیاسی در ایران، ج ۱، تهران: سازمان اسناد ملی.
_____ (۱۳۸۴). اسناد احزاب سیاسی در ایران، ج ۲، تهران: سازمان اسناد ملی.
فردوست، حسین (۱۳۷۰). ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی (۱۳۶۸). تهران: دفتر انتخابات وزارت کشور.
فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
کشاورز، اردشیر؛ ططری، علی (۱۳۹۰). اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
گازیوروسکی، مارک. جی (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز.
مروارید، یونس (۱۳۷۷). از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت، ج ۳، تهران: اوحدی.
مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره شانزدهم، جلسه ۲، شنبه بیست و نهم بهمن ماه ۱۳۲۸.
مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هفدهم، دوشنبه بیست مرداد ماه ۱۳۳۱.

مقاله‌ها

ازره، فرشته و دیگران (۱۳۹۸). «نفت شاه (نفت شهر) بررسی جغرافیای تاریخی و تکوین شهر نفتی در ایران»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان.

زاهد، فیاض (۱۳۸۷). «گذری بر قانون اصلاحات ارضی ایران»، پژوهش‌نامه تاریخ، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان.

کشمند، ناهید، امرایی، شمس‌الدین (۱۳۹۴). «چگونگی برگزاری انتخابات نوزدهمین دوره مجلس شورای ملی»، مجموعه مقالات پنجمین همایش تخصصی تاریخ مجلس، به اهتمام علی ططری، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.

طالبی، امیر (۱۳۷۴). «انتخابات مجلس شورای ملی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷»، ایران فردا، سال چهارم، شماره ۲۴، اسفند.

مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره هجدهم، جلسه ۵، پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳.

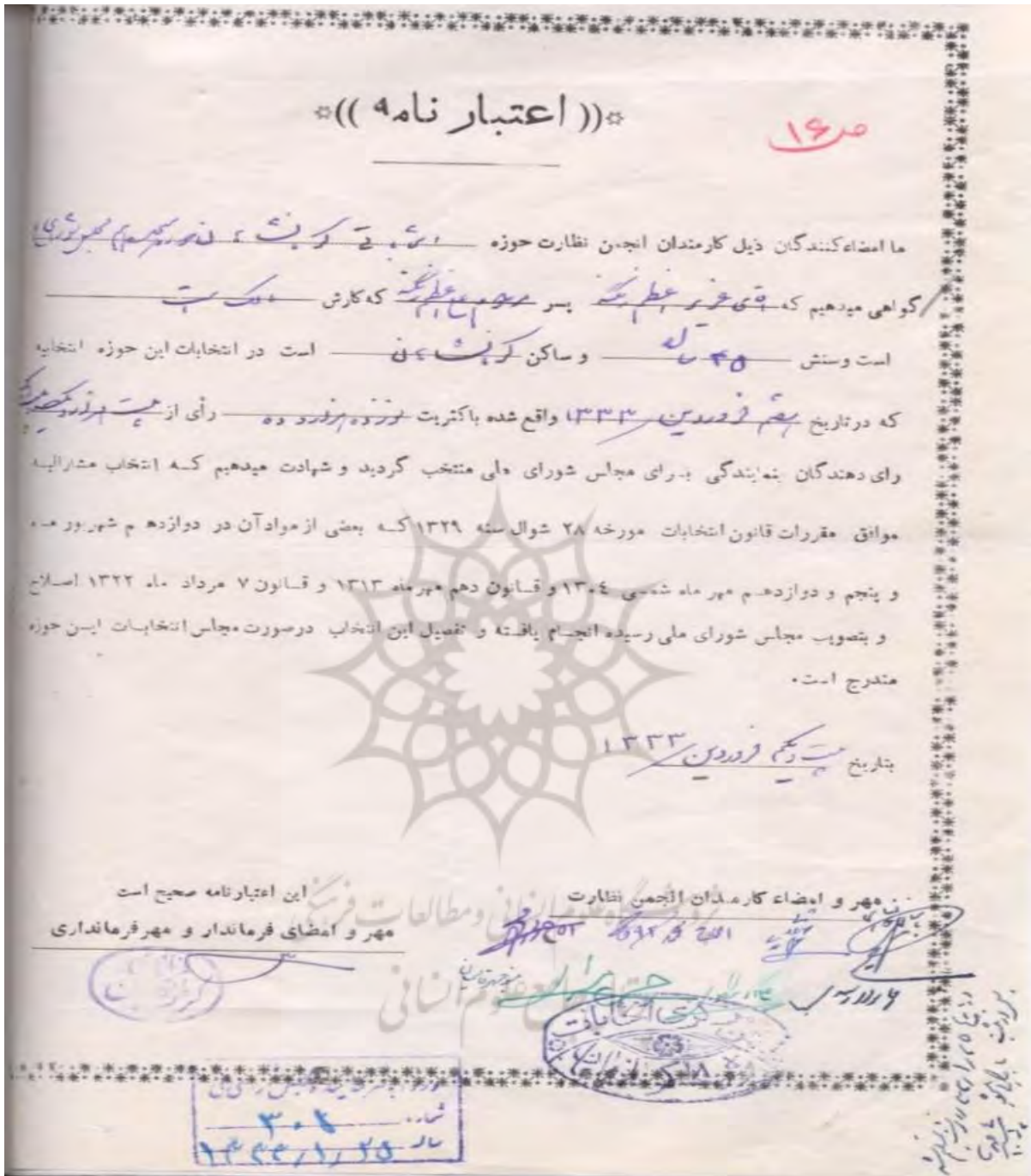
مکی، حسین (۱۳۶۸). خاطرات سیاسی، تهران: علمی.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱ تهران: رسا.

نظری، منوچهر (۱۳۸۸). رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب، تهران: فرهنگ معاصر.



پیوست‌ها



پیوست ۱. اعتبارنامه عزیز زنگنه نماینده دوره هجدهم مجلس شورای ملی

((اعتبار نامه))

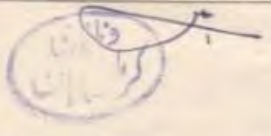
ملا

ما امضاءکنندگان ذیل کارمندان انجمن نظارت حوزه انتخابیه کربلای جنوبی که کارش است گواهی میدهم که تعمیر کربلای جنوبی سر محمد محمدی است و سنتش پنج سال است در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳ واقع شده با اکثریت بسیار زیاد رأی از مجلس شورای کربلای جنوبی رأی دهندگان بنده پندگی بر رأی مجلس شورای عالی منتخب گردید و شهادت میدهم که انتخاب مشارالیه موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ و قانون ۷ مرداد ماه ۱۳۲۲ اصلاح و بتصوب مجلس شورای عالی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب در صورت مجلس انتخابات این حوزه مندرج است.

تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این اعتبارنامه صحیح است
مهر و امضای فرماندار و مهر فرمانداری



مهر و امضاء کارمندان انجمن نظارت
مجلس شورای کربلای جنوبی
تعمیر کربلای جنوبی
محمد محمدی
۱۳۳۳

دانشگاه تهران
مهر و امضاء
۱۳۳۳

شماره ۳۰۳
تاریخ ۱۳۳۳/۱/۱۵

پیوست ۲. اعتبارنامه عبدالحسین امیر احتشام نماینده دوره هجدهم مجلس شورای ملی

((اعتبارنامه))

۱۳۳۳

ما امضاء کنندگان ذیل کارمندان انجمن نظارت حوزه
 کوهلی می دهیم که بی هیچ نفعی نیستیم پسر مرحوم سلطان احمد که کارش مالک
 است و سنش صفت سال و ساکن کربستان است در انتخابات این حوزه انتخابیه
 که در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳ واقع شده با اکثریت آرا بر سر مقصود محمد رأی از مجلس شورای
 رای دهندگان بنه ایندگی بر رای مجلس شورای ملی منتخب گردید و شهادت می دهیم که انتخاب مشارالیه
 موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریور ماه
 و پنجم دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ و قانون ۷ مرداد ماه ۱۳۲۲ اصلاح
 و تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب در صورت مجلس انتخابات این حوزه
 مندرج است.

تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳

شماره ۲۵۱ مورخه ۲۸ شوال ۱۳۲۹
 مهر و امضای کارمندان انجمن نظارت
 این اعتبارنامه صحیح است

مهر و امضای فرماندار و مهر فرمانداری

فرماندهای

مجلس شورای ملی
 وزارت عدلیه
 وزارت معارف

مجلس شورای ملی
 وزارت معارف

۴۱۶
 تاریخ ۱۳۳۳

پیوست ۳. اعتبارنامه ابوالفتح دولتشاهی نماینده دوره هجدهم مجلس شورای ملی

** ((اعتبار نامه)) **

م ۳۱۱

ما امضاء کنندگان ذیل کارمندان انجمن نظارت حوزه اعتماد کریم میرزا محمد میرزا محمد میرزا محمد میرزا محمد
 گواهی میدهم که تاریخ کریم پسر محمد صالح فرزند صالح که کارش مالک
 است و سنش سی و سه سال و ساکن کریم است در انتخابات این حوزه انتخابیه
 که در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳ واقع شده با اکثریت آرا در شماره رأی از سی و سه نفر
 رای دهندگان به ایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید و شهادت میدهم که انتخاب مشارالیه
 موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم شهرور ماه
 و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهرماه ۱۳۱۳ و قانون ۷ مرداد ماه ۱۳۲۲ اصلاح
 و تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب در صورت مجلس انتخابات این حوزه
 مندرج است.

تاریخ پنجم فروردین ۱۳۳۳

این اعتبارنامه صحیح است
 مهر و امضای فرماندار و مهر فرمانداری

مهر و امضاء کارمندان انجمن نظارت
محمد صالح
محمد صالح
محمد صالح
محمد صالح
محمد صالح

رئیس داوران
 کارشناسان
 تاریخ ۱۳۳۳

دوره پانزدهم نماینده مجلس شورای ملی
 شماره ۲۹
 تاریخ ۱۳۳۳

پیوست ۴. اعتبارنامه نادعلی کریمی نماینده دوره هجدهم مجلس شورای ملی